

حقوق شهروندی در اسلام از دیدگاه امام علی (ع)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

زینب رسولی فرد

چکیده

یکی از مهمترین مباحث در ادبیات اسلامی و در میان آیات و روایات موضوع حقوق شهروندی میباشد که کانون و مرکز توجه امام اول شیعیان، امام علی علیه السلام بوده است. حقوق شهروندی از مفاهیم مدرن و از لوازم زندگی دموکراتیک افراد در یک جامعه محسوب می شود. این مفهوم با اعلامیه بشر و حقوق شهروند فرانسه تجلی عینی کامل یافت و تبدیل به یکی از مباحث مطرح و مهم جهان کنونی و مورد توجه اندیشمندان و صاحبان مکاتب حقوقی مختلف قرار گرفت. در رابطه با این حقوق دو دیدگاه وجود دارد. یک نظر دین را ناتوان از وضع قواعدی به عنوان حقوق شهروندی می داند. دیدگاه دیگر که از سوی برخی نظریه پردازان دینی القا می شود، قایل به این است که دین مجموعه ای تکالیفی است برای بشر و او باید در قالب این تکالیف به انجام وظیفه پرداخته و تصور حقوقی برای اعطای اختیار و آزادی و غیر آن به انسان، خارج از موازین دینی و مبانی اسلامی است. در این نوشتار با برگزیدن شاخه خاصی از حقوق شهروندی، تحت عنوان حقوق شهروندی مدنی و با اطمینان قلبی وجود غنای کافی در مبانی دینی این مقولات و از آن میان نهج البلاغه سعی در دستیابی به مضامینی داریم که پاسخگوی فرضیه ما درباره جایگاه حقوق شهروندی مدنی در دیدگاه امام علی (ع) باشد. مضامین مربوط به این موضوع باتوجه به فرازهای نهج البلاغه استخراج و در قالب مقولات حق حیات، کرامت، مالکیت، امنیت، آزادی و برابری و مواردی از این قبیل دسته بندی شده اند. نهج البلاغه، به عنوان یک متن دینی حاوی پیامهایی است که می تواند در تحقق شرایط جامعه مبتنی بر اصول زندگی مدنی موثر باشد و در این راستا با استفاده از روش اسنادی و تتبع نظری به طور مبنایی ثابت می گردد که انسان در اندیشه ی امام علی (ع) فردی است حق مدار و برای رسیدن به حقوق شایسته ی خود نیازمند انجام اموری به عنوان تکالیف

است و براین اساس، تکالیف نیز بازگشت به حقوق دارند. شناسایی و تعیین قواعدی برای زندگی مدنی انسان که از آن جمله حقوق شهروندی مدنی باشد، نه تنها با مبانی دینی ما مخالف نیست، بلکه از لوازم حتمی و مبنای زندگی شهروندی در جامعه و حکومتی است که توسط امام علی (ع) در قرن‌ها پیش اداره می‌گردید و بسیار مورد توجه حضرت قرار گرفت.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، امام علی (ع)، اسلام، حقوق اسلامی، حقوق انسانی

مقدمه

مسئله حقوق شهروندی از جمله مسائلی است که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. نظریات و گفتمان‌های روزافزون از سوی فیلسوفان سیاسی، حقوقدانان و جامعه‌شناسان بیانگر این مطلب است. شناخت مسئله حقوق شهروندی از آن جهت ضروری است که این حقوق در ابتدا از سوی کسانی ادعا شد که خود به راحتی بسیاری از حقوق شهروندی ملت‌های خود را در دو جنگ جهانی زیر پا گذاشتند حال آنکه خاستگاه این حقوق، در اسلام و اندیشه بزرگان آن به ویژه حضرت امام نهفته است و متأسفانه در سده‌های اخیر مسلمانان از این مهم غافل شده و غرب و مکاتب بشری، خود را به عنوان داعیه‌دار حقوق شهروندی و حقوق بشر به جهانیان عرضه داشته‌اند.

بخش اول: مفهوم شناسی

بند اول: مفهوم شهر و شهروندی در اصطلاح

شهر از جمله مقولات اجتماعی است که ارائه تعریفی دقیق از آن به راحتی امکانپذیر نیست؛ زیرا عناصر وجودی آن هر یک دارای ماهیتی متفاوت از دیگری است به عنوان مثال ساکنان، ساختمان‌ها، مسائل حمل و نقل، تأسیسات و... همه وجودهای عینی هستند با ماهیت‌های گوناگون. این واژه، در زبان ایرانی پیشینه‌ای بس کهن دارد و حتی در ایران باستان از این واژه در معنای کشور نیز استفاده شده است. در فرهنگ لغت شهر به معنای «مدینه، بلد، اجتماع خانه‌های بسیار و عمارات بی‌شمار با وسعت بیش از قصبه، قریه، ده، آبادی بزرگ که دارای

خیابان‌ها، میدان‌ها، کوچه‌ها، خانه‌ها، بازارها و دکان‌ها و سکنه باشد» آمده است (دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱۰: ۱۴۶۰۰). عده‌ای هر تجمعی را که جایگاه فعالیت‌های ویژه‌ای باشد، شهر می‌دانند از نظر برخی شهر منظره‌ای مصنوعی است که از خیابان‌ها، ساختمان‌ها، جداول آب و سایر دستگاه‌ها و بناها درست شده و زندگی شهری را امکانپذیر می‌کند (ادیبی ۱۳۵۵: ۲۲) و عده‌ای دیگر شهر را محل سکونت وسیع، دائمی و متراکم افرادی می‌دانند که از نظر اجتماعی ناهمگونند (لویز ۱۳۵۸: ۴۵). با ذکر این مقدمات باید گفت: هر شهر از دو عنصر اساسی برخوردار است: مکان و انسان؛ به عبارت دیگر در کنار فضای کالبدی و جغرافیایی هر شهر، روح آن را روابط پیچیده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی انسان‌ها تشکیل داده است که در این فضای جغرافیایی معین با همکاری و همیاری یکدیگر در کنار هم زندگی می‌کنند. به تعبیری دیگر شهر حوزه مکانی است که از گستردگی فضا، جمعیت، تنوع خرد، فرهنگ‌ها، تنوع مشاغل و نظم ساختاری برخوردار است و جایگاه حاکمیت قدرت و جهت‌گیری‌های سیاسی - اجتماعی، محل سازمان‌ها و نهادهای بزرگ اجتماعی، محل تولید و تسری اطلاعات، اخبار و رفتارهاست (جمشیدیان ۱۳۸۳: ۶). شهروند در ادبیات ما واژه‌ای نو محسوب می‌شود به طوری که حتی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ معین و عمید این واژه مطرح نشده است و می‌توان گفت واژه‌ای وارداتی است. ولیکن با اندکی تأمل درمی‌یابیم که در فرهنگ ملی و اسلامی ما، واژه‌هایی از قبیل رعیت، ملت، امت، بومی، مقیم، ابناء، تابع، مردم و... وجود دارند که با این واژه ارتباط نزدیکی دارند. شهروند از شهر ریشه می‌گیرد و (سی تی) از واژه لاتین لوتیاس مشتق شده است. لوتیاس تقریباً معادل واژه پلیس در زبان و فرهنگ یونانی است. بنابراین، شهر تنها مجتمعی از ساکنین یک منطقه معین نیست بلکه مفهوم واحد سیاسی مستقلی را افاده می‌کند. از این رو شهروند فقط به ساکن یک شهر گفته نمی‌شود بلکه معنایی فراتر از آن را به همراه دارد؛ شهروند ضمن اینکه ساکن شهر است در سازماندهی شهر و تدارک و تنظیم قواعد زندگی در شهر و تدوین قانون حاکم بر شهر و مملکت نیز مشارکت دارد (نوابخش ۱۳۸۵: ۱۶) در فرهنگ علوم سیاسی، شهروند به کسی اطلاق می‌شود که از حقوق و امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور استفاده کند (آقابخشی ۱۳۶۳: ۴۹). در فرهنگ

فارسی امروز، به کسی که اهل یک کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد «شهروند» گفته می‌شود (صدر افشار ۱۳۷۳: ۱۲۵). بر این اساس می‌توان گفت شهروند فردی است که در رابطه با یک دولت از سویی از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار است و از سوی دیگر در برابر آن، تکالیفی برعهده دارد.

بند دوم: مفهوم شهروندی در اسلام

در متون دینی ما بهترین تعبیر معادل با شهروندی «رعیت» است و در مقابل از حاکم و مسئولین به عنوان «راعی» یاد شده است و در اندیشه اسلامی بین این دو همواره رابطه‌ای دو سویه و متقابل برقرار بوده است. رعایا (شهروندان) همزمان دارای حقوق و تکالیفی متناسب بودند. این حقوق و تکالیف لازم و ملزوم یکدیگر بودند و هیچ یک بدون دیگری در نظر گرفته نمی‌شد. به دیگر سخن در مکتب اسلام محق بدون تکلیف و مکلف بدون حق یافت نمی‌شود هر انسانی که حقی دارد به اعتبار دیگری نیز مکلف است و تنها آفریدگار جهان است که محق محض است و در برابر دیگران تکلیف ندارد (قراملکی ۱۳۸۱: ۱۴). بر این اساس در نظام حقوقی اسلام، شهروندی، موقعیتی است که عرب و عجم به طور یکسان در مقابل حاکم خود دارند و در عین اینکه دارای حقوقی هستند ملزم به انجام وظایفی نیز می‌باشند در این نظام مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست بلکه هر شهروندی همچون مسلمانان عضو جامعه اسلامی محسوب می‌شود و به معنای امروزی از حقوق شهروندی برخوردار است. امت مسلمان به همراه غیرمسلمان در مدینه النبی، در عین حفظ استقلال جامعه دینی خود جامعه سیاسی واحدی را به وجود آوردند و پیامبر (ص) نیز وحدت انسانی را جایگزین وحدت قومی و قبیله‌ای نمود (پروین ۱۳۸۷: ۱۶). احادیثی چون «الناس سواء کاستان المشط» (مجلسی بی تاج ۶۱: ۶۵)، «لافضل لعربی علی عجمی الا بالتقوی» (حر عاملی ۱۳۸۳ ج ۱۸: ۱۳) و... به خوبی بیانگر و تصدیق کننده این مطلب است. «به طور کلی در دین اسلام شهروندی مفهومی است مستقر بر قوانین الهی - فطری و اجتماعی» (احمدزاده ۱۳۸۴: ۹۹).

بند سوم: مفهوم حقوق شهروندی

پس از روشن شدن معانی اصطلاحی «شهر»، «شهروند»، «شهروندی» دیدگاه اسلام را در رابطه

با تعریف و جایگاه حقوق شهروندی مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهیم. حقوق شهروندی مجموعه مقررات و قوانینی است که در ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی جهت اتباع یک کشور به طور یکسان در نظر گرفته شده و این افراد در مقابل، مکلف به مساعدت مسئولانه در برابر جامعه سیاسی خود (دولت) هستند. در واقع حقوق شهروندی روایتی است تازه از حقوق طبیعی، یعنی حقی است که لازم و ملزوم طبیعت انسانی است به عبارت بهتر به واسطه حیثیت انسانی و به جهت کرامت ذاتی که خاص اوست دارای یک سلسله حقوق و آزادی‌هایی شده از قبیل حق حیات، حق احترام، حق آزادی، حق مساوات و حق امنیت و مواردی از این قبیل. این حقوق عطیه کسی نیست تا کسی بتواند آن را بازپس گیرد، بلکه هدیه‌ای است الهی و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا مقامات مذهبی این حق را اعطا نمی‌کند این حقوق غیرقابل انتقال، غیرقابل نقض، غیر قابل تعلیق و غیرقابل انفکاک از ذات بشرند. دارای خاصیت همگانی و جهان شمولند و هر فرد بشر در هر کجا که باشد با هر نژاد، جنس، زبان و دین از این حقوق برخوردار خواهد بود. و در نهایت این حقوق، ذاتی، فطری و مربوط به طبیعت انسان‌هاست و به هیچ قرارداد و وضعی وابسته نیست.

بخش دوم: تاریخچه حقوق شهروندی در اسلام

با بعثت خاتم النبیین حضرت محمد بن عبدالله^(ص) در سرزمین حجاز، عادات و رسوم غلط و آداب منحوس عصر جاهلی جای خود را به تمدنی داد که از حیث جامعیت تعلیمات بی‌نظیر بود و اعراب بدوی را که حتی فاقد یک سیستم حکومتی واحد بودند به چهره فاتحان جهان تبدیل ساخت. پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان هجرت پیامبر اکرم (ص) به یثرب (مدینه النبی) بازمی‌گردد و اولین بارقه‌های تشکیل حکومت اسلامی از آن زمان پدیدار گشت. چراکه حقوق شهروندی زمانی موضوعیت دارد که هر دو رکن آن، یعنی حکومت و مردم، شکل گرفته باشد به دیگر سخن، ظرف تحقق حقوق شهروندی تشکیل حکومت است (احمدزاده ۱۳۸۴: ۱۰۴). پیامبر اکرم (ص) با الهام از آموزه‌های وحیانی، شاخصه‌های حقوق شهروندی را در میان شهروندان جامعه اسلامی به بهترین نحو ممکن به اجرا درآورد. آموزه‌های قرآنی به عنوان مهم‌ترین خاستگاه حقوق شهروندی با تأکید بر برابری و برادری

همه افراد از هر نژاد و رنگ، هر گونه امتیاز بندی و تفاوت گذاری بر اساس ویژگی‌های مادی و ظاهری را مردود اعلام نموده (نساء: ۱) و تنها معیار برتری افراد بر یکدیگر را تقوای الهی معرفی می‌کند (حجرات: ۱۳). قرآن در خطابات خود تمامی مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد (یا ایُّهَا النَّاسُ...) و ذکری از قبیله خاص، ملت یا نژادی به میان نمی‌آورد. قرآن مردم را به اصل اولی آنها که همان آدم و حوا باشد متوجه می‌سازد تا به آنها یادآور شود که همگی از یک پدر و مادر هستید اگر چه بعضی غنی و بعضی دیگر فقیر، بعضی زیبا، و بعضی دیگر زشت، جمعی عرب و جمعی دیگر عجم باشید این گونه اختلافات لازمه طبیعت و شرایط محیطی است و تنها برای شناسایی و برقراری نظم اجتماعی است نه دشمنی و تبعیض و اجحاف (قربانی ۱۳۸۳: ۱۴۹) اسلام همه افراد بشر را از نظر حقوق و تکالیف انسانی، یکسان می‌داند؛ زیرا همه آنها در انسانیت با هم برابر و از جهت آفرینش با هم برادرند. در اسلام اصل تساوی مجازات‌ها برای همه افراد اعم از مرد و زن، مسئول و غیرمسئول به طور یکسان اعمال می‌شد و حق اقامه دعوا در مقابل تخلفات مقامات حاکم برای همه مردم پیش‌بینی شده بود. وجود «دیوان مظالم» خود شاهی است بر این مدعا که مردم می‌توانستند از حاکمان و عمال آنها شکایت کنند. از اصول مهم آموزه‌های دین اسلام اهمیت حفظ و رعایت حقوق الناس است آنچنان که در این آموزه‌ها آمده حق الهی قابل بخشایش است و لیکن حق الناس تنها با رضایت فرد متضرر قابل بخشش و گذشت است. دین اسلام، بی‌عدالتی‌های آشکاری را که در حق زنان اعمال می‌شد از میان برد و اهتمام ویژه‌ای به حقوق زنان دارد. پیامبر (ص) بهشت را زیر پای مادران می‌دانست و در قرآن بر خوشرفتاری با زنان تأکید بسیار شده است (نساء: ۱۹). حقوق اقلیت‌ها همواره مورد احترام و توجه اسلام بوده و آنان نیز همچون مسلمانان عضو جامعه اسلامی محسوب می‌شدند. کشیشان، پیرمردان، فقرا و جوانان نابالغ از پرداخت جزیه معاف بودند، احترام به حقوق اهل کتاب و اقلیت‌های دینی از چنان جایگاه محکمی برخوردار بود که حتی سه دهه پس از رحلت رسول خدا، خوارج نهروان که خوگ متعلق به یک یهودی را کشته بودند غرامت آن را پرداختند (ایمانی سطوت ۱۳۸۵: ۲۰۴). رفتار پیامبر (ص) با مخالفان فرهنگی همراه با مماشات، مدارا و گفتگو بود. در مقابل آنان استدلال می‌کرد تا

بپذیرند، دلایلشان را می‌شنید و پاسخ آنها را می‌داد و مادام که اقدام نظامی انجام نمی‌دادند در امان بودند و تحمل می‌شدند برای نمونه می‌توان به رفتار پیامبر^(ص) در جریان داستان افک و بهتانی که به همسر ایشان نسبت داده شد، اشاره کرد که مهم‌ترین حادثه شخصی، خانوادگی و جمعی برای پیامبر^(ص) و مسلمین بود و لیکن در جریان آن پیامبر^(ص) حکم به بازداشت هیچ کس نداد (ایمانی سطوت ۱۳۸۵: ۲۱۰) اقدامات پیامبر^(ص) از قبیل ایجاد پیمان برادری میان مهاجرین و انصار، تقبیح هر گونه نژادگرایی، آموختن خواندن و نوشتن به مسلمانان توسط اسرای جنگی کفار، حرکت به سوی حذف برده‌داری با اتخاذ سیاست‌هایی از قبیل احکام آزادسازی بردگان در قبال قصور در انجام اعمال دینی توسط مالکین بردگان و... بیانگر این مطلب است که رعایت حقوق شهروندی در کنار ایجاد حکومت اسلامی از مؤلفه‌های اصلی سیاست دولت حق محور اسلام بود. آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر اکرم^(ص) در سخنان و سیره حکومتی امام علی^(ع) ادامه یافت. ایشان در دوران حکومت خود هر چه را از رسول الله آموخته بود در حکومت پنج‌ساله خود به کار بست.

بخش سوم: خاستگاه حقوق شهروندی در اسلام

به تحقیق جوهر بحث در موضوع حقوق شهروندی در مبانی نظری آن نهفته است و اگر در مسیر شناخت این مبانی غفلت ورزیم چه بسا در تحلیل قواعد مرتبط با آن به خطا رویم. اصولاً مطالعه هر چیز بدون توجه به ریشه و اصالت آن بی‌معنی است. در نظام حقوقی اسلام (حقوق الهی) خداوند منشأ حقوق دانسته می‌شود مطابق این اعتقاد، خداوند متعال، هستی بخش تمام پدیده‌های عالم است حقیقت ثابت، ذات مقدس اوست همه چیز از او واقعیت می‌گیرد و قائم به اوست و هرگونه که مشیت و اراده او اقتضا کند می‌تواند در پدیده‌ها تصرف کند. در این دیدگاه، نه تنها خداوند متعال خالق جهان هستی است بلکه همو به تنهایی و بی‌هیچ شریکی جهان را تدبیر می‌کند و نیز قوانین حاکم بر افراد و جوامع انسانی را از آن جهت که علم مطلق است و ذی‌نفع نیست وضع می‌کند و انسان، مکلف است که فقط از دستورات و قوانین او که خدشه‌ناپذیر نیست اطاعت کند بنابراین قواعد حقوقی اسلام همه به جعل و اعتبار الهی، دارای حجیت و مشروعیت هستند (احمدزاده ۱۳۸۴: ۱۰۶). لذا اساسی‌ترین مفهوم در جهان‌بینی

اسلامی، که زیربنای تمام اصول و فروع آن است، خدامحوری و توحید است. براساس این اصل کلی، نظام هستی منشعب از وجود هستی محض و یکتای الهی است که ضرورت وجود او از ناحیه خودش می‌باشد (حقیقت و میر موسوی ۱۳۸۱: ۱۴۶). جهان‌بینی توحیدی در بخش فلسفه حقوق دارای نظام خاصی است. بر پایه این نظام فکری خداوند هست محض است و هست محض هر کمالی را دارا و از هر نقصی مبراست؛ از این رو همه موجودات جهان که هر یک دارای درجه‌ای از نقصانند به سرپرستی آن هست محض وانهاده می‌شوند لذا مکتب توحیدی به عنوان پایگاه فکری همه مسائل از جمله حقوق قرار می‌گیرد و همه دیدگاه‌ها، شناخت‌ها، و قانونگذاری‌ها باید بر پایه آن استوار گردد (جوادی آملی ۱۳۷۵: ۱۱۱). بنابراین همه حقوق اعم از حقوق طبیعی، فطری، قراردادی، اخلاقی و... تابع حق خدای متعال است و در سایه حق خداوند معنا می‌یابد و در نظام حقوقی اسلام زمانی قاعده حقوقی مشروع و معتبر خواهد بود که منطبق با اراده الهی باشد و امورات دیگر از قبیل عقل، وجدان، فطرت، و مصلحت و... فقط به عنوان کاشف و دلیلی که می‌تواند ما را به مبنای حقیقی حقوق اسلامی برساند معتبر است (منصوری ۱۳۸۰: ۹۲). براین اساس می‌توان گفت: منشأ جعل و حقوق متقابل حاکم و مردم که از آن به حقوق شهروندی یاد می‌شود از سوی خداوند است.

بخش چهارم: بررسی پیشینه تحقیق

محقق و پژوهشگر علی فاطمی در پژوهش خویش تحت عنوان مولفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی(ع) در مورد حقوق شهروندی در اسلام و حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی به طور کلی بیان میدارد که: امروزه توجه به حقوق شهروندان از زوایای مختلف، محل توجه بسیاری از اندیشمندان، دولتمردان و محافل جهانی است. تحقق این امر در اندیشه و سیره عملی امام علی(ع) به عنوان آموزه‌های اصیل اندیشه اسلامی، از اهداف و خط‌مشی‌های اصلی حکومت آن حضرت، و در راستای احترام به شخصیت انسان و «کرامت انسانی» بوده است. اقتضای کرامت انسانی، حقوق و تکالیفی را برای نظام سیاسی و شهروندان به همراه دارد، زیرا حقوقی که ایشان برای شهروند در نظر می‌گیرند، «انسان» محور بوده و از مسیر جامعه و شهر، بی‌گرفتنی است. از این منظر، فرد با قرارگیری در جایگاه واقعی خود در جامعه می‌تواند در

مسیر تکامل و تعالی دنیوی و بالطبع اخروی، حرکت کند. برای فهم حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی(ع)، نیازمند پاسخ به چیستی و رسیدن به تعریفی منسجم از حقوق شهروندی هستیم. مقاله حاضر بر مبنای سیره نظری و عملی امام علی(ع)، به تبیین مؤلفه‌های حقوق شهروندی می‌پردازد و می‌کوشد با تعمق در منابع دینی، برداشتی متناسب با فهم تاریخی و استنباط‌های برگرفته از آیات و روایات ارائه دهد. روش تحقیق در این مقاله، تحلیل محتوای کیفی است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که براساس معیار هویت انسانی، همه شهروندان فارغ از هر نوع ملاکی از جمله نژاد، رنگ، مذهب، موقعیت و جایگاه، از مجموعه‌ای از حقوق بنیادین و راهبردی شامل آزادی، عدالت، برابری، تقدم اکثریت بر اقلیت و... برخوردار می‌شوند.^۱ (فاطمی، ۱۳۹۳)

محقق و پژوهشگر نیشابوری و همکاران در پژوهش خویش تحت عنوان مصادیق حقوق شهروندی از دیدگاه دین مبین اسلام، فقه شیعی و فرمایشات امام علی(ع) در مورد حقوق شهروندی در اسلام و حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی به طور کلی بیان میدارد که: حقوق شهروندی پدیده‌های است که در دو دهه اخیر بسیار مورد توجه آحاد بشر و دولتهای مختلف قرار گرفته است. در اندیشه اسلامی انسان فردی است حق مدار و برای رسیدن به حقوق شایسته خود نیازمند انجام اموری به‌عنوان تکالیف است. بر این اساس در این بررسی مصادیق حقوق شهروندی از دیدگاه دین مبین اسلام، فقه شیعی و فرمایشات امام علی(ع) پرداخته میشود. مصادیقی که آیت اله جوادی آملی در کتاب مفاتیح الحیاه از شهروندان برشمرده‌اند شامل پانزده عنوان برای مراتب شهروندان یعنی امور همسایگان، دانشمندان، همکاران، بیماران، مردگان، مصیبت‌زدگان، مهمانان، مجاهدان، کودکان، جوانان، سالمندان، یتیمان، فقیران، مددجویان و مسافران است.^۲ (نیشابوری و همکاران، ۱۳۹۱)

۱ فاطمی، علی، ۱۳۹۹۳، مؤلفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی(ع)، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۲ نیشابوری، علی اصغر و فرهنگدی، ایمان و شمس، سیدجعفر و عباسی طلایی، علی، ۱۳۹۶، مصادیق حقوق شهروندی از دیدگاه دین مبین اسلام، فقه شیعی و فرمایشات امام علی(ع)، چهارمین کنفرانس بین المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز

محقق و پژوهشگر بخشی در پژوهش خویش تحت عنوان بررسی برخی مولفه های مشترک حقوق شهروندی در نهج البلاغه و عهد جدید در مورد حقوق شهروندی در اسلام و حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی به طور کلی بیان میدارد که: حقوق شهروندی در قرون اخیر از مباحث پررونق و پرمناقشه دو حوزه حقوق و علوم سیاسی بوده است و در واقع حقوقی است که همه افراد ساکن در یک جامعه باید از آن بهره مند باشند. حقوق شهروندی هدیه الهی و جزو حقوق ذاتی و فطری انسان ها است. نهج البلاغه به عنوان یکی از کتب معتبر اسلامی و عهد جدید به عنوان کتاب مقدس مسیحیت در بخش هایی مفهوم حق را مورد توجه قرار داده اند. نهج البلاغه نگاه فراگیری درباره حقوق شهروندی ارائه می دهد که نه از روی عاطفه، که از قوه عقل بهره می گیرد و تنوع را رسمیت می بخشد. نهج البلاغه به عنوان یک متن دینی، حاوی پیام هایی است که در تحقق شرایط جامعه مبتنی بر اصول زندگی مدنی تاثیرگذار است و لذا می توان با ملاحظه برخی از بخش های آن، به مضامینی دست یافت که نشانگر اهمیت حقوق شهروندی در یک جامعه و در نتیجه در زندگی انسان ها است. و در مقابل، کتاب مقدس مسیحیان نیز به حقوق شهروندی انسانها در ابعاد مختلف پرداخته و به آن توصیه نموده است. لکن در این مقاله برآن هستیم تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی - مقایسه ای، برخی از مولفه های حقوق شهروندی را در نهج البلاغه و عهد جدید مورد بررسی قرار داده و نشان دهیم که اولاً ریشه حقوق شهروندی به گذشته و کتب مقدس و دینی ادیان مختلف از جمله اسلام و مسیحیت بر می گردد و ثانياً این دو کتاب مهم که هر یک به نوعی به بحث رعایت حقوق شهروندی پرداخته اند، هر دو می توانند یک منبع مهم در جهت آشنایی با ابعاد گوناگون حقوق شهروندی و رعایت صحیح آن باشد.^۱ (بخشی قولنجی، ۱۳۹۵)

محقق و پژوهشگر پورطهماسبی و تاجور در پژوهش خویش تحت عنوان حقوق و تربیت فرهنگی در نهج البلاغه در مورد حقوق شهروندی در اسلام و حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی به طور کلی بیان میدارد که: یکی از مباحث مهم امروز جهان حقوق شهروندی و تربیت

۱بخشی قولنجی، سمیه، ۱۳۹۵، بررسی برخی مولفه های مشترک حقوق شهروندی در نهج البلاغه و عهد جدید، همایش

شهروندی است. مباحث «شهروندی» به شکل امروزی سابقه تاریخی ندارد، ولی باید اعتراف کرد که طی قرن اخیر مطالب و مباحث آن رشد فزاینده ای داشته است. باید گفت که شاید طرح بحث شهروندی از دیدگاه نهج البلاغه و نظریات حضرت علی (ع) بهترین شیوه در دست یابی به این حوزه است؛ زیرا نهج البلاغه در حکم برادر قرآن کریم و حضرت علی (ع) از آگاه ترین شخصیت ها به اسلام بعد از پیامبر است. از طرف دیگر، وی برای مدتی زمام داری حکومت اسلامی را در دست داشته است و بیش از سایر دوره ها زمام داری آن حضرت با تنوع نژادها، زبان ها، رنگ ها، دین ها، و سرزمین ها رو به رو شده است و در این دوره گروه های سیاسی، عقیدتی، و کلامی نیز رشد کرده بودند. در این مقاله با ارائه تعریفی از شهروندی و وضعیت آن، و نیز نظر قرآن در این باره، حقوق شهروندی از دیدگاه نهج البلاغه و حضرت علی (ع) در سه حوزه شناختی، عاطفی، و رفتاری بررسی می شود و در آخر نشان داده می شود که شهروندی در جهان معاصر از معنای حقیقی خود دور شده است و مطابقت نظریات حضرت علی (ع) با قوانین روز جهانی این دور شدن شهروندی از معنای واقعی اش را بیش تر مشخص می سازد.^۱ (پورطهماسبی، تاجور، ۱۳۹۰)

محقق و پژوهشگر داودآبادی در پژوهش خویش تحت عنوان..... در مورد حقوق شهروندی در اسلام و حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی به طور کلی بیان میدارد که: امروزه حقوق شهروندی یکی از مسائل مهم جوامع علمی بالخصوص در میان حقوقدانان و پژوهشگران محسوب می گردد؛ زیرا نهادینه شدن یک جامعه بر مبنای فکری دمکراسی، مستلزم توجه به مبانی این نوع حقوق در حکومت می باشد. کشور ایران نیز به عنوان یک کشور اسلامی، باید مبانی حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام تدوین کند؛ تا با ایجاد یک الگوی صحیح و متناسب با زمان، حکومت علوی را در سراسر جهان برای تمام عدالت پیشگان معرفی نماید. سؤالی که مطرح می شود؛ این است که، «مبانی حقوق شهروندی» در سیره حکومتی امام علی علیه السلام چگونه بوده است؟ این نوشتار کتابخانه ای، با بررسی مبانی حقوق شهروندی در نهج البلاغه از

۱ پورطهماسبی، سیاوش، تاجور، آذر، ۱۳۹۰، حقوق و تربیت فرهنگی در نهج البلاغه، پژوهشنامه علوی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره دو، شماره دو.

دو بُعد علمی و کاربردی بر این واقعیت دلالت دارد؛ که: برخلاف حقوق شهروندی در نظام- های دموکراتیک جهان که مبتنی بر حق محوری و تکلیف محوری هستند؛ حقوق شهروندی در حکومت امیرمؤمنان علیه السلام با دو منبع معتبر اسلام؛ قرآن کریم و سنت پیامبر اکر صلی الله علیه و آله ارتباط مستقیمی دارد. لازم بذکر است؛ امام علیه السلام مشروعیت حکومت را الهی می داند؛ که با اقبال مردم در یک جامعه محقق می شود. دین و سیاست نیز در کلام علی علیه السلام رابطه ای تنگاتنگ و ناگسستی با هم دارند. امام علیه السلام رابطه ی فرمانروایان و شهروندان، را چون حق و تکلیف، دوسویه و متقابل می داند. مردم در حکومت اسلامی دارای مسئولیتی سنگین در قبال اجتماع و نظام اجتماعی، از جهت مشارکت فعال در عرصه های اجتماع و تعیین نوع حاکمیت دارند و در مقابل، حکامان اسلامی باید برای رشد و تعالی انسانیت در جامعه چهار زمینه را ایجاد نمایند: یک - اجرای عدالت در تمام سطوح کشور. دو - تأمین امنیت در همه عرصه ها (اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی). سه - تأمین رفاه همه شهروندان بدون لحاظ کردن نوع گرایش های دینی و فکری. چهار - ایجاد زمینه مناسب حقوق اجتماعی در جامعه برای رشد و تعالی انسان ها. (داودآبادی، ۱۳۹۸)

بخش پنجم: یافته های پژوهش

بند اول: مفهوم عام حقوق شهروندی

مهمترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که «تبیان کل شی» است و تجدد را که بشریت در عرصه ارتباطات فردی، اجتماعی، سیاسی، بین المللی بدان نیازمند است، به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان آورده که سیره نبوی ﷺ و دیگر معصومان علیهم السلام نیز مطابق با درک درست مفاهیم آن کتاب عظیم است. پیامبر گرامی اسلام هسته اولیه امت وسط و الگو را پی ریزی فرمود، و پس از اندک زمانی به یثرب رفت، و یثرب را به «مدینه النبی» تبدیل نمود. مدینه ای که در آن حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش بر اساس

۱ داود آبادی، محمد، ۱۳۹۸، مبانی حقوق شهروندی در سیره حکومت داری امام علی علیه السلام با رویکرد آموزه های قرآن کریم، فصلنامه علمی پژوهشی بنیاد بین المللی نهج البلاغه، شهریور ۱۳۹۸، دوره هجده، شماره دو، شماره پیاپی شصت و یک.

بندگی خدا و قانونگذاری حق شکل گرفت. با توجه به اهداف هر حکومتی، می‌توان به حقوق مردم از دیدگاه آن حکومت پی برد. نخستین هدف در حکومت اسلامی در زمینه فرهنگ و ایدئولوژی مردم است. زیرا پاسخگویی به نیازهای فکری و اعتقادی مردم آن زمان و چه بسا بشریت، از مهمترین اهداف رسالت پیامبر اکرم (بوده است. وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ «پیامبری که بار سنگین را از دوش مردم بر می‌دارد و بندها و زنجیرها را از آنان باز می‌کند» (اعراف، ۱۵۷). بدیهی است منظور از بارهای سنگین، آداب و رسوم جاهلی و نیز غل و زنجیرهای فکری و روحی می‌باشد، که بر نیروها و استعدادها معنوی بشر سایه افکنده است.

بند دوم: مصادیق خاص حقوق شهروندی

در این بحث، حقوق شهروندی ذکر شده در نهج البلاغه که مورد توجه قرآن کریم بوده است به صورت مصداقی بیان می‌گردد.

۱. حق کرامت انسانی

نخستین حق هر شهروند و هر انسانی ایجاد زمینه‌های رشد اوست. پس از آن باید محیط اجتماع فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. بنابراین برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه و وظیفه هر حاکم و حق هر شهروند است «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۴). قسط و عدل مطلوب هر انسان است، و در جای جای تعالیم اسلامی به آن امر شده است (نحل، ۹۰؛ حجرات، ۹) حتی اگر به ضرر شخصی باشد (نساء، ۱۳۴). از دیگر حقوق شهروندان تأمین امنیت ایشان در زمینه‌های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی و شخصیتی می‌باشد. در آیات متعدد قرآن کریم از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد نهی شده است. اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسانهای دیگر نیز محترم شمرده است. در چنین محیط امن و آرامی است که انسان می‌تواند به رشد و کمال خود بیندیشد. چنان که علت بعثت هم، رساندن انسانها به چنین مرحله‌ایست (آل عمران، ۱۶۴). (یکی دیگر از مهمترین تعالیم دینی توجه به منزلت و کرامت همه انسانهاست «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰) و آنچه موجب برتری کسی بر دیگری

می گردد، تنها تقوا است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» (حجرات، ۱۳). یعنی چگونگی عمل و رفتار است که موجب کسب فضیلتی افزون بر دیگری می شود، نه مظاهر دیگر آفرینش از قبیل رنگ پوست، جنسیت، نژاد و... بنابراین همه انسانها از حقوق مساوی برخوردار هستند.

۲. حق صلح و آشتی

از دیگر حقوق شهروندان در یک حکومت اسلامی، زندگی در محیطی سرشار از صلح و صفاست. به همین دلیل به دوستی بین افراد اجتماع سفارش شده است (انفال، ۱؛ نساء، ۳۴). تا جایی که در قرآن کریم آمده است «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَرْوَاحِكُمْ» («حجرات، ۱۰»). بنابراین نه تنها مؤمنان برادر یکدیگر شمرده شده اند، بلکه ایجاد صلح و آشتی هم از وظایف همه شهروندان است. از دیگر عوامل ایجاد محیط سالم و امن در اجتماع، امانتداری است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء، ۵۷). خداوند به همه فرمان می دهد که امانتدار باشند و امانت ها را به صاحبان آن برسانند. البته امانتداری جنبه های مختلفی دارد که همه مورد توجه هستند. امانتداری در اموال، آبرو، سخنان و... حتی در مورد اهل کتاب «مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» خطاب آیه شریف عام است و وفای به عهد در مورد همگان را شامل می شود. در آیات قبل از آن هم، بحث در مورد یهودیان است که ایشان خود را در مقابل غیر یهود مسؤول نمی دانستند. در هر حال وفای به عهد و پیمان (مائده، ۱؛ اسراء، ۳۴) و یاری افراد در خیر و نیکی از عواملی است که سبب ایجاد محیطی سرشار از دوستی و محبت می شود، به آنها سفارش شده است. در قرآن از تهمت و آزار زبانی نیز نهی شده است (نور، ۲۳-۲۴)

۳. حق امنیت

اسلام بر حق زیستن در محیط انسانی تأکید دارد، آن را از حقوق معنوی شهروندان می داند. قرآن کریم در این مورد می فرماید «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ؛ «کیفر آنان که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، کشتن ایشان است بوسیله اعدام یا به دار آویختن و یا قطع دست راست و پای چپ آنهاست یا به عکس. یا

تبعید آنان است» (مائده، ۳۲)، در جای دیگر فتنه‌انگیزی در اجتماع بزرگتر از قتل و خونریزی شمرده شده است (بقره، ۱۹۱ و ۲۱۷). گاهی رهایی از توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی تنها با جهاد امکان‌پذیر است. در این صورت چنین جهادی مقدس و مورد امر قرآن کریم است «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج، ۷۷) آیات دیگری نیز در این مورد وجود دارد (بقره، ۲۱۶؛ براءت، ۹۲؛ نساء، ۷۳-۷۴ و ۹۴) اما در جنگ و ستیز هم حق‌کشی جایز نیست، طرف‌درگیر و اسیران هم حقوقی دارند و قاتل‌وهم حتی لا تكون فتنه و يكون الدين لله فأن انتهوا فلاعدوان إلا على الظالمين «با ایشان پیکار کنید تا فتنه باقی نماند، دین مخصوص خدا گردد. پس اگر (از) روش نادرست خود) دست برداشتند، شما نیز دست از پیکار بردارید؛ زیرا تعدی جز بر ستمکاران روا نیست» (بقره، ۱۹۴) گذشته از این، باید توجه داشت، که تنها در صورتی نوبت به جنگ و خونریزی می‌رسد که از طریق دیگر توان ایجاد صلح و آرامش نباشد. بنابراین تأکید نخست در تعالیم دینی، گفتگو، هدایت و ارشاد است «ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتي هي أحسن» (نحل، ۱۲۴) برای دستیابی به یک محیط سالم اولین گام امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی است. البته با در نظر گرفتن مراتب و شرایط آنها «و لتكن منكم أمة يدعون إلى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون» (آل عمران، ۱۰۳). آیات دیگری نیز در این مورد وجود دارد (همو، ۱۱۰؛ حج، ۴۱) روش قرآن کریم پیشگیری از ارتکاب اعمال نادرست است. چنان که برای جلوگیری از روابط نادرست به حفظ نگاه و حجب و حجاب فرمان می‌دهد (نور، ۳۰-۳۱). پس از آن است که روش برخورد با خاطیان را بیان می‌دارد (نساء، ۱۵-۱۶). کسانی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌سازند، از نظر مادی و معنوی مضر به حال اجتماع هستند «الزانی و الزانیة فاجلدوا کلّ واحد منهما مائة جلده و لا تأخذکم بهما رأفة» (نور، ۲) مرد و زنی را که مرتکب عمل زشت شده‌اند هشتاد ضربه تازیانه بزنید و نباید رأفت به آن دو مانع اجرای حکم خداوند شود.

۴. حق رفاه و آسایش

از دیگر حقوق شهروندان در حکومت اسلامی برخورداری از رفاه و آسایش مادی است

ایشان حق دارند که در یک محیط امن و با آرامش از مواهب هستی بهره مند گردند و به طریق دلخواه خود به کسب و کار پردازند. قرآن کریم به مالکیت خصوصی و حق همگانی در بهره برداری از منابع طبیعی تأکید دارد (بقره، ۲۹ و ۱۶۸؛ حجر، ۲۱؛ ق، ۱۱؛ ملک، ۱۵)، و می فرماید «لقد مکناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش» (اعراف، ۹) ما تسلط و مالکیت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم. اگر کسی در جامعه اسلامی به گونه ای به اکتساب پردازد که تجاوز به حقوق دیگر شهروندان به حساب آید، حکومت اسلامی با او برخورد می کند. مثلاً قرآن کریم در مورد ربا می فرماید «یا ایها الذین امنوا لاتأکلوا الرِّبا اضعافاً مضاعفه» (آل عمران، ۱۳۰) و مؤمنان را از رباخواری باز می دارد. آیات دیگری هم حقیقت رباخواری را به افراد نشان می دهد (بقره، ۲۷۵ و ۲۷۸-۲۷۹). از کسبهای حرام دیگر رشوه، کم فروشی (مطففین، ۱ و ۳)، سرقت (مائده، ۴۵)، و از بین بردن مال یتیم است (نساء، ۲ و ۵). مورد دیگر استفاده از مال دیگران بدون اذن ایشان است، که غضب نامیده می شود، مگر در مواردی که استثنا شده است (نور، ۶۱-۶۲). بنابراین، انتخاب شغل و کسب درآمد از مواهب و آزادی هایی است که اسلام برای هر یک از شهروندان قائل است، مگر آنکه موجب ضرر به فرد یا اجتماع گردد. کمک به اقشار محروم هم از حقوق شهروندان ضعیف شمرده شده است و حکومت و افراد جامعه اسلامی در قبال آن مسؤولیت دارند. قرآن کریم در این مورد آیات بسیار دارد، و آیات خمس، نفقات و زکات از این قبیل است.

بخش ششم: حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی (ع)

موضوع حقوق اجتماعی، عدالت، مساوات، و مبارزه با ظلم و ستمگری و تجاوز، از موضوعاتی است که در نهج البلاغه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در کلمات مولای متقیان حضرت علی (ع) (بحث های بسیاری در مورد انواع حقوق در جامعه بشری مطرح گردیده است. خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه در مورد حقوق اجتماعی است. در این خطبه به بیان حقوق متقابل رهبری و مردم می پردازند. در نخستین بخش این خطبه می فرمایند «فقد جعل الله سبحانه لی علیکم حقاً بولایه امرکم، و لکم علی من الحق» خداوند سبحان برای من بر شما به جهت

سرپرستی و حکومت حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است. بنابراین، از نظر ایشان تعیین حقوق از جانب پروردگار است. سپس می‌افزایند حق گسترده‌تر از آن است که قابل وصف باشد، اما در هنگام عمل تنگنایی بی‌مانند است. سپس به ارتباط بین حق و تکلیف اشاره می‌فرمایند، که حق اگر به سود کسی اجرا شود ناگزیر به زیان او نیز به کار می‌رود و تنها حق خداوند سبحان یک طرفه است. بنابراین، چنین نیست که بعضی تنها بر عهده دیگران حقوقی داشته باشند، بدون اینکه خود تعهدی داشته باشند. در بخش بعدی بیان نورانی آن حضرت (ع) پیوند مردم با نظام و پیوند و انسجام آحاد ملت مورد تأکید قرار می‌گیرد، که سبب یأس دشمن و نیک‌بختی افراد اجتماع می‌گردد. اولین امام شیعیان، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر را بزرگترین حق در میان حقوق الهی ذکر فرموده و اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح هر دو دانسته‌اند؛ چنان که اگر رهبر و مردم، هر دو به وظایف خویش عمل نمایند و حقوق طرف مقابل را پاس دارند، حق در آن جامعه عزت می‌یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر پایدار می‌گردد. در این صورت مردم بر تداوم حکومت امیدوار می‌شوند و دشمن از آرزویش مأیوس می‌گردد. از سوی دیگر، اگر مردم و حکومت، حقوق یکدیگر را پاس ندارند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار می‌شود، نیرنگ‌بازی در دین فراوان می‌گردد، راه گسترده سنت پیامبر اکرم (ص) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل، و بیماری‌های دل فراوان می‌شود. به همین دلیل آن حضرت (ع) همه را به یاری و کمک برای احقاق حق فرا می‌خواند. بنابراین بر تک تک افراد واجب است تا یکدیگر را در استیفای حقوق یاری نمایند. نخستین گام در این راه، شناخت حقوق است؛ پس به بیان آن می‌پردازیم.

بند اول: حقوق سیاسی شهروندان

این نکته بدیهی است که هر گاه اجتماعی از افراد تشکیل گردد، قدرتی که بتواند قوانین حاکم بر آن را اجرا کند، ضروری است. زیرا قانون که وجود لفظی یا کتبی تفکری خاص است، توان تأثیر ایجاد در روابط خارجی را ندارد. بنابراین، در این مورد که حکومتی برای نظام امور اجتماعی لازم است، بحثی نیست. مولای متقیان [نیز به ضرورت وجود قدرت یک حکومت

مقتدر تصریح فرموده‌اند (دشتی، ۱۳۷۸، خ ۴۰)، و با فکر خوارج که در آغاز مدعی بودند با وجود قرآن، از حکومت بی‌نیاز هستیم، مبارزه کردند. اما در دیدگاه آن حضرت (ع) حاکمیت از آن مردم است، آنان صاحبان اصلی حکومت می‌باشند. از دیدگاه شیعیان، امامت یک منصب الهی است، اما امام می‌فرمایند که با بیعت مردم، حکومت را قبول فرمودند (همو، خ ۱۳۷ و ۲۲۹ و ن ۶-۸ و ۵۴) ایشان در این مورد می‌فرمایند کم تکن بیعتکم ایای فلتة، و لیس امری و امرکم واحداً. اِنّی اُریدکم لله و اَنتم تُریدوننی لانفسکم، اَعینونی علی انفسکم؛ «بیعت شما مردم با من بی‌مطالعه و ناگهانی نبود. کار من و شما یکسان نیست. من شما را برای خدا می‌خواهم و شما مرا برای خود می‌خواهید. ای مردم برای اصلاح خودتان مرا یاری کنید» (همو، خ ۱۳۶). نکته اساسی و مبنایی در حقوق اسلامی که از فرمایش حضرت (ع) روشن می‌شود، این است که هم انگیزه و هم هدف الهی است. حضرت در جای دیگری از سخنانشان مسؤلیت سرنوشت غم‌انگیز مردم را به دلیل انتخاب فرماندار نالایق به آنها گوشزد می‌فرمایند (همو، خ ۱۵۸) از دیگر حقوق سیاسی شهروندان، برابری در مقابل قانون است. به طوری که همه از حقوق مساوی برخوردارند و قانون از همه یکسان حمایت می‌نماید. این مطلب از خلال بیانات حضرت علی (ع) در موارد بسیار بدست می‌آید که ایشان امر به عدالت و عدم تبعیض می‌فرمودند. از جمله فرمایش‌های ایشان است که العدل یضع الامور مواضعها، و الجود یخرجها من جهتها، و العدل سائس عام و الجود عارض خاص، و العدل اشرفهما و افضلهما؛ «عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل می‌شود. پس عدالت شریف‌تر و برتر است» در جای دیگر آن حضرت (ع) خطاب به زیاد بن ابیه فرماندار فارس فرمود استعمل العدل و احذر العسف و الحیف، فان العسف یعوذُ بالجلء و الحیف یدعو الی السیف؛ «عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر انجامد» (دشتی، ۱۳۷۸، ح ۴۷۶). آن حضرت (ع) در نامه به مالک اشتر، سردار سپاه و فرماندار خود می‌نویسند مبدا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی طلب نمایی. شهروندان در جامعه مدنی اسلامی صاحب حق در تعیین سرنوشت

خود و نظارت بر اراده امور و بازخواست از متصدیان امر هستند و حکومت در این جامعه خدمتگذار مردم است، در همه حال در برابر مردمی که خداوند او را بر سرنوشت آنان حاکم کرده است، پاسخگو هستند. احترام به حقوق بشر و رعایت حدود و ضوابط آن سخنی نیست که اکنون بنا به مصلحت سیاسی و تنها به خاطر هم سخنی با دیگران به زبان آوریم، بلکه این امر نتیجه طبیعی تعالیم دینی و فرمانهای مذهبی ماست. بارها و بارها پاسخگو بودن مسئولان و فرمانداران در مقابل خداوند بزرگ و مردم مورد تأکید امیرمؤمنان قرار گرفته است، ایشان مسئولان را به عمل از روی تقوا و در جهت حفظ مصالح عمومی سفارش فرموده‌اند. از جمله در نامه به یکی از فرمانداران نوشته‌اند فقد بلغنی عنک امر إن كنت فعلته فقد أسخطت ربک و عصیت إمامک و أخزیت أمانتک. بلغنی أنّک جرّدت الأرض فأخذت ما تحت قدمیک و اکت ما تحت یدیک فارفع إلیّ حسابک و اعلم أنّ الله أعظم من حساب الناس؛ «از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی پروردگارت را به خشم آورده‌ای و امام خود را نافرمانی و در امانت خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمینها را برداشته‌ای و آنچه را که می‌توانستی گرفته، آنچه را در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است»

بند دوم: حقوق معنوی شهروندان

یکی از حقوق شهروندان، رفتار درست و انسانی با ایشان است. در دیدگاه امیر مؤمنان علی (ع) فرمانروایان و حاکمان، خادمان مردم هستند، چنانچه به درستی امور مردم را به انجام رسانند، به وظیفه خویش عمل نموده‌اند، هیچ گونه منتهی بر شهروندان ندارند به علاوه حاکمان وظیفه دارند با شهروندان مدارا کرده با ایشان نرم‌خو باشند و پیوسته در رفع حوائج آنها بکوشند. مولای متقیان در جای جای فرموده‌هاشان به چگونگی رفتار درست و انسانی رهبران در قبال شهروندان تأکید دارند (همو، ن ۱۸-۱۹). افزون بر آن مدارا با مردم دستور به ساده‌زیستی (همو، خ ۱۶۰، ن ۴۵ و ۵۳)، و پیروی از سیره نبویع از فرمانهای آن حضرت (ع) به فرمانروایان است. آن حضرت (ع) پس از جنگ بصره بر علاء بن زیاد وارد شدند که از یاران امام (ع) بود؛ وقتی خانه بسیار جلل او را دیدند، وی را نصیحت کرده، در خاتمه فرمودند و یحکک إنی لست

كأنت، إِنَّ الله تعالى فرض على أئمة العدل أن يُقدروا أنفسكم بضعفه الناس كيلا يتبيخ بالفقير فقره؛ «وای بر تو، من همانند تو نیستم. خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد، و به طغیان نکشد» بر آوردن نیازهای بحق شهروندان از دستورات مولای متقیان(ع) به والیان است. ایشان در این مورد می‌فرمایند بر آوردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز؛ کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود و شتاب در بر آوردن آن تا گوارا باشد (همو، ح ۱۰۱). با وجود سفارش بسیار بر انجام امور مردم و بر آوردن حاجات آنها، به عدم تکبر و خودخواهی فرمانروایان هم تأکید شده است (همو، ن ۵۳ و خ ۲۱۶) از طرف دیگر رفتار مردم در برابر مسئولان نیز نباید سبب خودخواهی گردد. ایشان در این مورد می‌فرمایند گاهی مردم ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می‌دانند؛ اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود نستایید، تا از عهده وظایفی که در برابر خدا و شما دارم، برآیم.

بند سوم: حق امنیت شهروندان

یکی از کارکردهای مهم هر دولت فراهم آوردن امنیت برای شهروندان خویش است. امنیت اجتماعی از زمینه‌های اصلی اجرای عدالت، و مناسب‌ترین بستر پدید آمدن تعادل در جامعه است. از مهمترین حقوق شهروندان، وجود امنیت در مقابل اشرار داخلی و حمله دشمنان خارجی است. زیرا بدون امنیت نمی‌توان به امور دیگر رسید، از این رو وجود سپاهی کارآموده، متخصص و متعهد لازم است که تحت فرماندهی فردی مقتدر و استوار قرار داشته باشد. مولای متقیان، امیرمؤمنان در فرمایش‌های متعددی ضمن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه به وجود سپاهی منسجم، قوی، و دارای تخصص‌های نظامی سفارش می‌فرمایند تا امنیت درون شهری و برون کشوری فراهم گردد (همو، ن ۱۲-۱۳ و ۱۶ و ۱۲۴)

ایشان شخصاً تاکتیک‌های نظامی را قبل از جنگ به امیران لشکر و سپاهیان ابلاغ می‌فرمودند. از جمله نامه ایشان به لشکری است که به شام می‌رفت فاذا انزلتم بعدو أو نزل بکم فلیکن معسکرکم فی قبل الاشراف، أو سفاح الجبال أو أثناء الأنهار کیما یکون لکم رداء... و اجعلوا لکم رقباء فی صیاصی ... و یاکم و التفرق: فاذا نزلتم فانزلوا جمیعاً و اذا ارتحلتم فارتحلوا

جمیعا؛ «هر گاه به دشمن رسیدید یا او به شما رسید، لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی‌ها یا دامنه کوه‌ها یا بین رودخانه‌ها قرار دهید تا پناهگاه شما و مانع هجوم دشمن باشد... و بر فراز تپه‌ها دیده‌بان بگمارید... از پراکندگی بپرهیزید. هر جا فرود می‌آیید، با هم فرود بیایید و هر گاه کوچ می‌کنید، همه با هم کوچ کنید»

بند چهارم: حقوق شهروندان در جنگ

مولای متقیان حضرت علی (ع) در سخنرانی خود در شهر کوفه خطاب به سربازان فرمودند *أَلْزَمُوا الْأَرْضَ وَاصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تَحْرُكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سِوْفَكُمْ فِي هَوَى الْأَسْتَكْمِ وَ لَا تَسْتَعْجَلُوا بِمَا لَمْ يُعْجَلْهُ اللَّهُ لَكُمْ؛* «سربازان بر جای خود محکم بایستید و در برابر بلاها و مشکلات استقامت نمایید. اما شمشیرها و دستها را در هوای زبانهای خویش به کار مگیرید و در آنچه خداوند شتاب در آن را لازم ندانسته، شتاب مکنید» (همو، خ ۱۹۰). ایشان در جنگ و ستیز حقوق سپاه مقابل را در نظر می‌گرفتند و لشکریان خویش را به عدم تجاوز از حقوق معین شده فرمان می‌دادند و در دعای خود می‌فرمودند: خدایا اگر بر دشمن پیروزمان ساختی، ما را از تجاوز بر کنار دار و بر راه حق استوار فرما (دشتی، ۱۳۷۸، خ ۱۷۱) منادیان و مدعیان حقوق بشر در برابر فرمایش‌های آن حضرت [چه می‌توانند بگویند؟ ابر مردی که حقوق کسی را که بر او شمشیر کشیده و به جنگ او آمده، حتی در حد آزار زبانی پاس می‌دارد و می‌فرماید خوش ندارم که شما دشنام‌دهنده باشید. خوب بود به جای دشنام، می‌گفتید خدایا خون ما و آنها را حفظ کن. بین ما و آنان اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند حق را بشناسند و آنان که با حق می‌ستیزند پشیمان شده، به حق بازگردند (همو، خ ۲۰۶). این سخنان را تنها از کسی می‌توان شنید که از جنگ و صلح هدفی جز احقاق حق مردم ندارد و هم چون پدری مهربان خیرخواه و دلسوز مردم است. آن حضرت (ع) پیش از رویارویی با دشمن در جنگ صفین به سپاه خود فرمود با دشمن جنگ را آغاز نکنید، تا آنها شروع کنند؛ زیرا بحمدالله حجت با شماست و آغازگر نبودن شما در جنگ، حجتی دیگر بر حقانیت شما خواهد بود. اگر به اذن خداوند شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد، آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید. زنان

را با آزار دادن تحریک نکنید، هر چند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند.

بند پنجم: حقوق فرهنگی شهروندان

جایگاه فرد در اجتماع و ارتباط آن دو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که رشد انسانها در پرتو جامعه میسر است. در بینش اسلامی همه حقوق و وظایف برای این است که انسان به تکامل واقعی و قرب الهی برسد. امتیاز ادیان الهی به ویژه اسلام نسبت به سایر مکاتب بشری آن است که علاوه بر تأمین مصالح دنیوی مردم به فکر تأمین سعادت ابدی و اخروی آنان نیز هست. بنابراین برخورداری از فضای سالم رشد و تعالی فکری و معنوی از حقوق مسلم و غیر قابل انکار همه شهروندان است. اهمیت این حق به حدی است که بسیاری از حقوق دیگر به منزله مقدمه و زمینه‌ساز دستیابی به این حق سرنوشت‌ساز است. جامعه و حکومت هر دو باید زمینه‌های تحقق این حق را فراهم آورند، و در این راستا هیچ فردی از رعایت مصالح همگانی بخشوده نیست. هر فردی مسؤول امر به معروف و نهی از منکر است. یادآوری فرد فرد آحاد اجتماع، یک ضمانت اجرایی قوی، دائمی و پیوسته است که باعث شناخت افراد به حقوق و وظایفشان در مقابل دیگران شده، راه اجرای دیگر قوانین و مقررات را می‌گشاید؛ زیرا حتی در مواردی که به دور از دید مأموران قانونی است، به اجرای قانون می‌پردازند. البته این امر در صورتی مؤثر خواهد بود که همگان به آن اقدام نمایند؛ به گونه‌ای که حتی حکام و مسؤولان را نیز در بر گیرد. امام علی (ع) امر به معروف و نهی از منکر را از اوصاف پروردگار شمرده است (دستی، ۱۳۷۸، خ ۱۵۶) آن حضرت (ع) در بخشی از وصیت خود به امام حسن ع می‌فرمایند: «به نیکی‌ها امر کن، و خود نیکو باش، و با دست و زبان بدیها را انکار کن، آنچه برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که بر خود نمی‌پسندی بر دیگران نیز می‌پسند» حکومت ولایی نه تنها با حضور و مشارکت مردمی در صحنه تصمیم‌گیری و تدبیر امور اجتماعی و سیاسی سازگار است، بلکه نظارت و اعمال کنترل بر قدرت سیاسی را نیز بر می‌تابد. خود آن حضرت (ع) بارها فرمانداران را از نصایح و تذکرات خویش برخوردار می‌فرمودند. بنابر آنچه بیان شد، همه شهروندان حتی غیر مسلمین حق دارند از یک محیط سالم در اجتماع برخوردار گردند. سلامت جامعه در گرو انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر

است و با ترک آن به فرموده حضرت علی (ع) نیکان خوار و بدان قدرتمند می‌شوند و کیفی الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود.

بند ششم: حق دانش اندوزی

زاممدار حکومت اسلامی عهده‌دار تأمین علم و دانش شهروندان قلمرو حکومت خود می‌باشد. از مهمترین اهداف حکومت اسلامی آن است که انسانها را به سوی «خليفة الله» شدن رهنمون باشد، دیگر آنکه کشور اسلامی را به مدینه فاضله تبدیل نماید. مدینه فاضله دارای اوصافی است که بخشی از آن به محیط زیست مربوط می‌شود و بخش دیگر به ساکنان آن. یکی از اموری که به افراد جامعه مرتبط است، دانش‌اندوزی است. بیانات حضرت علی (ع) درباره ارزش علم و حکمت بسیار است. در این جا به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود.

العلم وراثة کریمه، و الآداب حُللٌ مجدده، و الفکر مرآه صافیة؛ «دانش میراثی گرانبها و آداب زیورهای همیشه تازه و اندیشه آینه‌ای شفاف است» خذ الحکمه ائی کانت، فإن الحکمه تکون فی صدر المنافق فتلجج فی صدره حتی تخرج فتسکن إلی صواحبها فی صدر مؤمن؛ «حکمت را هر کجا که باشد فراگیر، گاهی حکمت در سینه منافق است و بی‌تابی کند که بیرون آید و با همدمانش در سینه مؤمن قرار گیرد» الحکمه ضاله المؤمن فخذ الحکمه و لو من أهل النفاق؛ «حکمت گمشده مؤمن است؛ حکمت را فراگیر، هر چند از منافقان باشد». از بیانات حضرت (ع) ارزش علم و دانش نزد ایشان به دست می‌آید، و اینکه باید برای کسب و فراگیری علم به هر کجا رفت و به هر کس مراجعه نمود. چرا که جایگاه اصلی علم و دانش نزد افراد متعهد و مؤمن است که آن را در جهت درست و مصالح عمومی به کار می‌بندند.

بند هفتم: حقوق اقتصادی شهروندان

تنظیم نظام اقتصادی از مهمترین راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی است. اسلام به عنوان یک مکتب زندگی ساز ضمن توجه جدی به این مسأله مهم، قوانینی را وضع نموده که در پرتو آن عدالت اقتصادی تأمین گردد. اسلام گاهی امت را هم چون بنیانی می‌نگرد که بعضی از بخشهای آن، بخش‌های دیگر را تقویت می‌کنند، گاهی نیز امت را جسم واحدی می‌بیند که دارای درک و احساس واحد است. از این رو، از طرفی مالکیت فردی با وسایل مشروع تملک

را ثابت می‌داند، از طرف دیگر قوانینی برای رفع دشواری‌های آسیب‌دیدگان اقتصادی دارد. ایجاد توازن اقتصادی و رفع نیازهای همگانی و دستیابی به توسعه‌ای پایدار در پرتو بهره‌برداری درست از منابع ملی صورت می‌گیرد. نقش سرمایه‌گذاری در رشد، تولید، ایجاد کار، تأمین رفاه عمومی و تعادل اقتصادی تردیدناپذیر است. زمامداران وظیفه دارند اموال و سرمایه‌های مردمی را افزایش دهند تا آنان بتوانند به سرمایه‌گذاری روی آورند و به عمران و آبادانی بپردازند. مدیریت کارآمد و برنامه‌ریزی درست از شرایط لازم توازن اقتصادی است. در دیدگاه اسلام، کار پایه مالکیت را تشکیل می‌دهد. از نظر روانی نیز کار مفید و سازنده نقشی بسزا در تربیت انسان دارد. هر کاری که برای فرد و خانواده مفید و در راستای منافع جامعه باشد، موجب آسایش زندگی و وسعت در معیشت گردد، مورد تأیید عقل و شرع باشد، موجبات رضای خداوند متعال را فراهم سازد، عملی صالح و پسندیده است. از همین رو مولای متقیان ایجاد موقعیتهای کاری را در هر زمینه که باشد، از حقوق شهروندان بر شمرده‌اند. ایشان در این مورد خطاب به مالک اشتر نوشته‌اند باید تلاش تو در آبادانی زمین بیش از تلاش در جمع‌آوری خراج باشد، چرا که خراج جز با آبادانی فراهم نگردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع بدست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود خواهد نمود. در راستای ایجاد اشتغال و کمک به کشاورزان ایشان سفارش می‌کنند که اگر کشاورزان به دلایلی هم چون آفت‌زدگی، کمی باران و... دچار زیان شده‌اند به آنها تخفیف بده، از کمی در آمد مالیاتی نگران نباش چرا که در حقیقت در جهت تولید سرمایه‌گذاری کرده‌ای کههدر نهایت سبب رونق اقتصادی خواهد شد. در امور بازرگانی و صنعت نیز امامع (در جهت توسعه کاری آنها سفارش می‌فرمودند. اما از سوی دیگر ایجاد سلامت بازار اقتصادی برای فعالیت‌های درست مردم، از حقوق شهروندان است. بنابراین فرماندار خود را به برخورد با پدیده‌های شوم اقتصادی چون احتکار، گران‌فروشی و کم‌فروشی فرمان می‌دهند و می‌فرمایند کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر دادن او اسراف نکن.

بند هشتم: حقوق قضایی شهروندان

استیفای حقوق شهروندان و استقرار عدل بستگی به وجود محاکم اجرایی صالح دارد، که با رعایت اصول صحیح قضایی، عدالت اجتماعی را در جامعه به پا دارند. شدت اهتمام اسلام به اجرای عدالت قضایی و اقامه حق، از دقت این شریعت در انتخاب قاضی مشهود است. مولای متقیان در این مورد به مالک اشتر می‌نویسند «از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن. کسی که مراجعه فراوان او را به ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد؛ در اشتباهاتشان پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی، برای او دشوار نباشد؛ طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد؛ در شبهات از همه با احتیاط‌تر عمل کند، و در یافتن دلیل، اصرار او از همه بیشتر باشد؛ در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود و در کشف امور از همه شکیاتر، و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده‌تر باشد؛ کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب‌زبانی او را منحرف نسازد و البته چنین کسانی بسیار اندک هستند. قضاوت‌های شخص حضرت علی (ع) و عدالت علوی به واقع شگفت‌انگیز است. ایشان می‌فرمایند «به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمانهاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم، یا پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد» (دستی، ۱۳۷۸، خ ۲۲۴). و تاریخ گواه است که این سخنان ادعا نبود. حضرت چه در جایگاه شهروندی ناظر بر سیستم قضایی حکومت بودند و چه در جایگاه حاکم که نمادهای فراوانی از قضاوت‌های حضرت در تاریخ ثبت گردیده که هر یک منشأ احکام قضا در ادوار مختلف تاریخ اسلامی است.

نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی که مجموعه‌ای از حقوق عمومی و خصوصی را تشکیل می‌دهد، بیانگر حقوق ذاتی، فطری و طبیعی انسان‌ها در دل اجتماع است. این حقوق برخاسته از حیثیت انسانی و کرامت ذاتی بشر است و در حالت معمول، قابل سلب از شهروندان نیست و دولت‌ها همواره ملزم و مکلف به حفظ و رعایت این حقوق هستند. مهم‌ترین مصادیق حقوق شهروندی در

شرع مقدس اسلام «حق آزادی، حق عدالت اجتماعی و حق امنیت» است که سایر مصادیق حقوق شهروندی هریک به نوعی به یکی از این سه حق بنیادین بازمی‌گردد و نهایتاً می‌توان گفت هر سه این حقوق ریشه در یک حق دارند و آن «حقوق مدنی» است چرا که باتوجه به طبع مدنی بشر و پیدایی معنای حقوق شهروندی در دل اجتماع، تمامی مصادیق حقوق شهروندی ریشه در حقوق مدنی دارند. گرچه اعتقاد رکن اساسی دین است، اما توجه به این نکته ضروری است که اسلام تنها یک دین اعتقادی نیست و دستورات آن در عبادیات خلاصه نمی‌شود؛ بلکه احکام بسیاری در زمینه حقوق اجتماعی دارد، از حقوق جامعه کوچک خانواده گرفته تا حکومت. مبنای حقوق در دیدگاه اسلام، ذات اقدس باری تعالی است و ما موظف به دریافت و استنباط قوانین اسلامی از منابع آن هستیم. ضمانت اجرای اصلی این حقوق نیز با خداوند متعال است و پاداش و جزا دهنده حقیقی اوست. البته این به معنای عدم مسئولیت ما نیست. قوانین اسلامی هم به فرد توجه دارند و هم به اجتماع، و ارزش هر یک به اندازه تأثیر خیر و صلاحی است که در مسیر تکامل بشر به عهده می‌گیرند. قوانین اسلامی همه ابعاد وجودی فرد را در نظر دارد، نه تنها ابعاد مادی و اقتصادی؛ افزون بر آن ارتباط فرد با جهان آفرینش از دیدگاه این حقوق مورد غفلت قرار نگرفته است. از دیدگاه حقوق اسلامی شخصی که به وظیفه خود عمل می‌کند، هم به پاداش مادی دست می‌یابد، هم معنوی؛ هم دنیایی، هم اخروی. از این رو اگر ارزش کار او پوشیده ماند، او کار خود را بیهوده نمی‌یابد، گرچه این مطلب از مسئولیت دیگران نمی‌کاهد. قوانین اسلامی قابل اجرا در جامعه کنونی هستند و باید پس از بدست آوردن آنها از منابع شرع و دریافت احکام مسائل نو پیدا از منابع کلی، به تبیین آنها پرداخت، با توجه به چالشهای جوامع امروزی راهکارهای اجرایی آن را فراهم نمود. همین قوانین جامعه آن روز عربستان را متحول نمودند. امروزه هم بار دیگر امکان این تحول وجود دارد. این مهم به خواست و تلاش روز افزون و آگاهانه مسلمین میسر خواهد شد.

منابع و مأخذ

- ۱ - جاودان، محمد، ۱۳۸۴ نواندیشی دینی در اسلام و تأملاتی در کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر؛ مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر؛ اردیبهشت ۱۳۸۲، قم، دانشگاه مفید.
- ۲ - جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۹۰ حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب؛ تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران.
- ۳ - مداح، افشین، ۱۴۰۰، آمادگی آزمون وکالت به روش جهش یادگیری، بخش حقوق اساسی، انتشارات جهش یادگیری
- ۴ - رضا اسماعیلی، انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲، ۱۳۸۰
- ۵ - غلامرضا کامیار، حقوق شهروندی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۲
- ۶ - سروش، عبدالکریم، ۱۳۸۵، حکومت دموکراتیک دینی؛ حقوق بشر از منظر اندیشمندان، مجموعه مقالات، گردآورنده محمد بسته نگار، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۷ - سید محمد هاشمی حقوق بشر و آزادی های اساسی تهران، نشر میزان ۱۳۸۴
- ۸ - علی فلاح زاده، نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۸
- ۹ - سید فاطمی محمد، ۱۳۹۲، حقوق بشر در جهان معاصر، از انتشارات کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰ - شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی - ملیحه شیبانی - فصلنامه حقوق تامین اجتماعی، سال اول - شماره دوم
- ۱۱ - فاطمی، علی، ۱۳۹۹۳، مولفه های حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی (ع)، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۲ - نیشابوری، علی اصغر و فرهمندی، ایمان و شمس، سیدجعفر و عباسی طلایی، علی، ۱۳۹۶، مصادیق حقوق شهروندی از دیدگاه دین مبین اسلام، فقه شیعی و فرمایشات امام علی (ع)، چهارمین کنفرانس بین المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز

- ۱۳ - بخشی قولنجی، سمیه، ۱۳۹۵، بررسی برخی مولفه‌های مشترک حقوق شهروندی در نهج البلاغه و عهد جدید، همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، دوره دو.
- ۱۴ - پورطهماسبی، سیاوش، تاجور، آذر، ۱۳۹۰، حقوق و تربیت فرهنگی در نهج البلاغه، پژوهشنامه علوی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره دو، شماره دو.
- ۱۵ - داود آبادی، محمد، ۱۳۹۸، مبانی حقوق شهروندی در سیره حکومت داری امام علی علیه السلام با رویکرد آموزه‌های قرآن کریم، فصلنامه علمی پژوهشی بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه، شهریور ۱۳۹۸، دوره هجده، شماره دو، شماره پیاپی شصت و یک.

